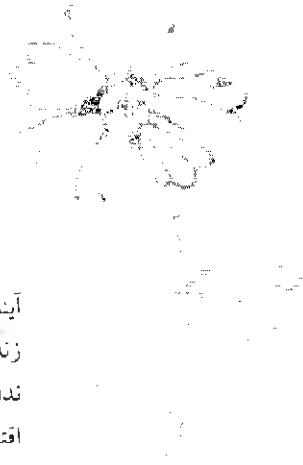




# آموزش جغرافیا



متخصصان تعلیم و تربیت بر این باورند که هرگونه فعالیت آموزشی، نوعی سرمایه‌گذاری برای آینده محسوب می‌شود زیرا اولاً آموزش به ارتقای سطح زندگی آموزش‌گیرنده و جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند، می‌انجامد و ثانیاً از آن‌جا که فعالیت‌های آموزش‌بازتاب فوری برای فرد و جامعه ندارد، و نتایج آن نه در کوتاه‌مدت که در میان‌مدت و درازمدت مشهود می‌گردد، نوعی سرمایه‌گذاری اقتصادی برای آینده است.

مسئله نوع و غنای آموزش و میزان تأکید آن بر حیطه‌های ارزشی (نگرش)، مهارتی و شناختی در نوع بازدهی زمانی آموزش مؤثرند.

موضوعات درسی را که در دوره‌های مختلف تحصیلی آموزش عمومی به دانش‌آموزان آموخته می‌شوند را می‌توان با اندکی اغماض در مورد حیطه‌های فوق‌الذکر، به موضوعات دارای بازده کوتاه (مثل آموزش زبان فارسی و ریاضیات)، میان (جغرافیا، تاریخ، زیست‌شناسی و...) و درازمدت (فیزیک، شیمی و...) تقسیم نمود. البته بر این تقسیم‌بندی اصراری نداریم اما تجربه و در نظر گرفتن مباحثی که در هر یک از دروس مطرح می‌شوند ما را به این تقسیم‌بندی رهنمون ساخته است. شاید با تدقیق بیشتر بتوان موضوعات را در این تقسیم‌بندی زمانی جابه‌جا نمود که خود نیازمند انجام یک طرح پژوهشی است. به هر حال تقسیم‌بندی ما، یک مینا برای دسته‌بندی‌های آتی است.

در تقسیم‌بندی ارائه شده، درس جغرافیا در دسته میان‌مدت قرار گرفت. اینجاست که باز هم ممکن است برخی متخصصان امر تعلیم و تربیت و جغرافیا در این زمینه با ما موافق نباشند و بخواهند زمان بازدهی آموزش این علم را کوتاه‌مدت در نظر بگیرند. واقعیت این است که برخی از آموزه‌های جغرافیایی به ویژه در حیطه‌ی مهارتی و شناختی بازدهی کوتاه‌مدت نیز دارند.

اما آنچه باعث شد سرمقاله‌ی این شماره از فصل‌نامه‌ی رشد آموزش جغرافیا را بدان اختصاص دهیم، احساس و برداشت ماست از این که برخی از دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت، جایگاه آموزش جغرافیا را در برنامه‌های درسی دوره‌های مختلف مثل راهنمایی و متوسطه دست‌کم می‌گیرند و آن را درسی مؤثر و قوی برای زندگی امروزی و آینده‌دانش‌آموز در نظر نمی‌گیرند و این امر ممکن است در نحوه‌ی برنامه‌ریزی‌های درسی تأثیر گذارد و آینده‌ای مبهم را برای جایگاه این علم در برنامه‌ی درسی و

# سرمایه‌گذاری برای فردا

به دنبال آن، دانش‌آموز رقم زند.

ارزشیابی از ارزش و اهمیت درس جغرافیا و تأثیر آن در زندگی آتی دانش‌آموز امکان‌پذیر نیست مگر این‌که نظری نسبتاً دقیق بر سرفصل‌ها و مباحثی داشته باشیم که در کتاب‌های درسی دانش‌آموزان ارائه شده و هم‌چنین نگاهی بیفکنیم بر اهداف کلی و جزئی که ناظر بر حضور این سرفصل‌ها در کتاب‌های درسی بوده‌اند. بنابراین مطالعه‌ی دقیق برنامه‌های درسی می‌تواند روشنگر اهداف و ملاحظه‌ی کتاب‌های درسی که بر اساس برنامه‌ها نوشته شده‌اند مکمل بررسی در این زمینه باشد. البته ایده‌آل آن است که یک بررسی میدانی دقیق از میزان کارایی موضوعات جغرافیایی که به دانش‌آموزان طی تحصیل آموخته‌اند، انجام گیرد اما شاید هزینه و زمان در حال حاضر انجام چنین پژوهشی را میسر نسازد.

ملاحظه اهداف در برنامه‌ها و محتوای کتاب‌های درسی موجود جغرافیایی نشان می‌دهد که مباحثی چون حفاظت مسئولانه همراه با بهره‌گیری بخردانه از منابع زیست‌محیطی و طبیعی، آموختن اصول و قوانین حاکم بر محیط در ایران و جهان، شناخت توانایی‌های بالقوه محیط‌های متنوع جغرافیایی کشور، آشنایی با زندگی در دیگر سرزمین‌ها و تفاهم با سایر ملل، آشنایی و گسترش مهارت‌های جغرافیایی از قبیل استفاده از نقشه، کره‌ی جغرافیایی، عکس‌ها و نمودارهای جغرافیایی برای ارائه‌ی استدلال علمی در تبیین محیط پیرامون و توجیه در آن، درک ارزش‌های زیبایی‌شناختی محیط‌های مختلف جغرافیایی و وطن‌دانش‌آموز و گسترش علاقه به آن از جمله مباحث و سرفصل‌های آموزش جغرافیا در کتاب‌های درسی کنونی کشورند که مورد تأیید و تأکید سازمان‌های منطقه‌ای و جهانی جغرافیایی بوده و هستند. مروری مجدد بر مباحث پیش‌گفته، آشکار می‌سازد که آموختن این‌ها سبب می‌شود که دانش‌آموزان امروز که مدیران، برنامه‌ریزان و تصمیم‌گیرندگان فردای کشور خواهند شد، با این سرزمین و کشور، برخوردی عالمانه و بخردانه خواهند داشت و ضمن ارزش‌گذاری به زیبایی‌ها و جذابیت‌های محیط جغرافیایی وطن در تصمیم‌گیری‌ها برای این سرزمین، پایداری محیطی آن را نیز مدنظر قرار خواهند داد. حال می‌توان امیدوار بود که با آموزش مؤثر و کارآمد جغرافیا به نسل امروز، در واقع سرمایه‌گذاری ارزشمندی را برای آینده‌ای روشن‌تر و بهتر انجام داده‌ایم.

سمر دبیر